

ورقی از تاریخ تصوف و عرفان

وفائی شوشتری گوید

ای عارف نادان و ای سالک هیچ مدان !! گرفتم باعلائی این مقام که بازیچه اطفال و مایه فریب جهالت و تو بآن نخواهی رسید، رسیدی !! پس از رسیدن هم مسلک و هم طبقه با کفار و فرقه صوفیه خواهی بود !! صاحب این جور کشف و کرامات شدن نه مقامی است که بآن بیالی و بر فرض محال که نبالی و عجب نورزی از این ورطه خطر ناک تو چگونه سالم خواهی ماند؟! باین نکته دقیق تو کی خواهی رسید؟! که حضرت سید ساجدین و امام مخلصین «ع» در برابر خدا عرض می کند: پروردگارا قرارنده بهره مرا از رحمت تو بچیزی که تصدیق کردی برای من از عافیت . پس بدبخت میشوم به سبب چیزهائی که دوست دارم « منظور از این مناجات آن است که کسی که بآرزوهای خود موفق شود بهمان اندازه از خدا دور میشود و سرگرم شدن بامور دنیا از پروردگار منصرف و دور می گردد » .

ای بیچاره !! وای از کوی عرفان آواره !! شاید این مستجاب دعوت بودند ، این خوشی و سلامت و حصول آرزو و امانی و عز و جاه و محبوبیت و قبولیت عامه است که جمله را کرامت و از تأثیر وجود مبارک میدانی ، املاء و استدرج باشد و توندانی؟! در خبر است از حفص بن غیاث از ابی عبدالله «ع» که چه بسا مردم که مغرور می شوند به نعمت های خدائی ، از مشغولی به نعمتی از نعمت دهنده دور می گردند !! « این احوال مردمی است که از خدا نعمت های بهشتی می خواهند ، از حور و قصور بدین سبب از خدا دور باشند !! باید بآنان گفت ای بیچاره در این دنیا مشغول به نعمت -

های پروردگار و در آخرت سرگرم به نعمت‌های خدا که غیر خدایند!! پس چه وقت مطالعه جمال حق و جلال مطلق خواهی کرد!!» .

در مقامی دیگر از آن بزرگوار است که می‌فرماید : بسیاری بتدریج بدرجه‌های متفاضله غیبی می‌رسند به سبب آنکه ما بین آنان و نعمت‌های الهی پرده افکنده است .
 « یعنی مشغول به نعمت‌های خدا نشده و از او برنگشته اند ، بتمام جهت رو بسوی خدا آرند » .

در مقام دیگر از آن بزرگوار است که می‌فرماید بنده دوستدار خدا ، خدا را می‌خواند می‌خواهد به هدف خود برسد . ولی پروردگار به فرشته آن کار امر می‌کند که نیاز آن دوست مرا بانجام رسان ولی عجله منما زیرا میل دارم که ناله‌ها ، مناجات . نداها ، صدای وی را بشنوم ، اما بنده‌ای که دشمن خداست «خدا» خدا گوید چیزی می‌خواهد؟! پروردگار به آن فرشته امر می‌کند که نیازمندی او را برآورد ، عجله نمائید!! زیرا از ندا ، صدای آن بیزارم!! نمی‌خواهم ناله و درخواست وی را بشنوم!! پس مردم تصور کنند که کرامت و بزرگواری آن بنده خداست که درخواستش بزودی بانجام رسید و دعایش مستجاب گشت!! و گرنه برای کرامت و بزرگواریش نبود خدا نیازمندی او را بانجام نمی‌رسانید کار و هدفش را باز میداشت مگر برای دوستانش « برای اینکه دشمن خود را خدا بیشتر مبتلا و گرفتار سازد دعایش را زود تر مستجاب می‌کند و او را بآرزوهای دور و دراز سرگرم می‌کند تا به سبب گرفتاریش افزایش یابد!! بنده خاص خدا آخرت می‌خواهد که نسبت بدنیا جاودانی است همیشه برای وی مهیا است که به نتیجه استجاب دعایش برسد ولی دشمن خدا از پروردگار دنیا می‌خواهد چون دنیا فانی است از این جهت خدا تسریع در اجابت می‌کند که آن عبد منافق به نتیجه دعایش برسد ولی خداوند در همه حال

قاضی الحاجات و مجیب الدعوات است که ترا مغرور بدارد و از خود دور نگاه دارد پس ای صاحب کرامت در فکر خود باش و بحساب خود رسیدگی کن تا از دشمنان خدا و منافقان نشده باشی و این کرامت ها در باره تو تدریجاً بسوی انحطاط و سقوط نباشد !! .

پس بنص سخن امام «ع» این سرعت اجابت و تأثیر نفس را که مردم در حق تو کرامت می شمردند !! شاید از بابت همین باشد خداوند می فرماید ما بین دعای موسی و هارون و غرق شدن فرعون چهل سال فاصله شد پس به بین غفلت و غرور و مستی را که املاء و کرامت و استدراج را معراج می شمارند ملای رومی گوید :

این همه مستی است ز استدراج حق تا چه مستی ها دهد معراج حق
تو که باین مقام خواهی رسید و صاحب چنین نفس مقدس خواهی گردید که قبض و بسط اقبال و ادبار عسر و یسر ، مرض و صحت ، عزت و ذلت همه در نزد تو یکسان باشد ! چنانکه حضرت سید سجاد و امام عباد «ع» عرض می کند : پروردگارا قرار بده ثنا و ستایش مرا نسبت بتو و حمد مرا نسبت بتو در همه احوال و در همه وقت حتی هیچ شادمانی برایم رخ ندهد و آنچه بمن ارزانی فرمودی از دنیا و هیچ اندوهی رخ ندهد و آن چه که مرا بازداشتی از دنیا چه روندگان راه خدا نه از شادی ها شادمان و نه از غمها اندوهگین گردند .

و باز از این بزرگواران است که می فرمایند روزی که دنیا بما اقبال می نماید پناه بحق می جوئیم ، روزی که دنیا بما ادبار نماید و پشت می کند آن روز را شکر می کنیم !! تو کی باینجا خواهی رسید ؟ ! من میدانم که لذت این را هرگز نخواهی فهمید !! از این جام هرگز نخواهی نوشید !! زیرا که حق پرستی دگر و نفس پرستی دگرست !! .

پس خدمت جناب آقا هر کجا هست معروض میدارم، که اگر تو خود را تارک دنیا میدانی و عارف بالله می‌خواهد؟! پس چرا انزوا و سکوت را سرمایه اشتهار و معروفیت خود را در اقطار ساخته‌ای؟! علم شهرت و آقائی در عالم افروخته‌ای؟! .
 تو که ولی حق هستی و خود را از اهل الله می‌شماری!! سبب چیست که خود را در نزد همه کس بغیر از حق باین صفت معروف میداری؟! .
 علت چه چیز است که حدیث شریف: مردان خدا در زیر پرده‌های منند بجز من کسی آنان را نمی‌شناسد!! .

« تا آنجا که مقامات خودشان بر خودشان هم پوشیده است ، خدا آنان را آگاه می‌سازد که شما صاحب این مقامات شده اید ، پروردگار باقید سو کند بآنان گوید : یسن والقرآن الحکیم انک لمن المرسلین : ای محمد «ص» بقرآن خودت سو کند که تو از مرسلین هستی . در حق جناب آقا عکس شده است ؟ ! گمانم این است که جناب آقا قرآن هم نمی‌خواند ! یا می‌خواند و نمیداند ! ! که حضرت حق در حق اهل حق می‌فرماید : الذین یمشون علی الارض هوناً و انذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً : یعنی مشی و رفتار وسلوک ایشان در میان مردم چون سایر مردم است ، مردم در حق ایشان جاهل هستند ابدأ رعایت ادب و حرمتی از اینان منظور نمیدارند حضرت امیر مؤمنان و امام مخلصان «ع» در وصف ایشان فرماید : آنان شمارشان اندک است ، ارزش و عظمتشان بسیار است ، بزرگی قدر و منزلت هستند آنان که خلیفه های خدا در زمین می باشند ، راهنمای دین الهی هستند ، ابراز اشتیاق بدیدارشان مینماید اینان جماعتی هستند که بدام دنیا سر فرو نیاورند و بدانه عقبی سر در نیارند !! نه لباس اساسی دنیا پوشند و نه قدح فرح آخرت نوشند و این دو براهل الله حرام است !! پس از این تحقیق دقیق جناب آقا یقیناً خود هم میداند که از این طایفه نیست ! پس ارشاد

جناب آقا چیست؟! آن کس که از وهدایت یافته کیست؟! بیا در این آخر عمر که در هر حال هستی آخر اوست ترك هوا پرستی کن و اسباب دکان داری را برچین!! در میان بندگان خدا چون سایر مردم خدا برخیز و به نشین!! .

چون میثم تمار و رشید هجری و جابر جعفی که یا بقال بودند یا بزاز، شان وزی از برای خود مبین! و این علم واشتهار و معروفیت را بخوابان!! یا اگر اهل ارشاد وهدایت بطریق رشاد خود را میدانی و مرد میدانی مانند دانشمندان بزرگ و حکام شریعت مقدس محمدی بیرق دین را بر فراز و توسن همت در میدان مجاهدت بتاز و باوازه شمارا بسوی رستگاری دعوت می نمایم خودرا بلند آوازه ساز، و کار دین و امر حلال و حرام مردم را به پرداز!! و خلق را بسوی حق و شریعت نبوی برحق دعوت کن، خود را پنهان و مخفی مکن! زیرا که اگر ایشان مخفی باشند حتی تو که جناب آقا هستی امر حلال و حرام و مسائل صلوٰة و صیامت را از کجا اخذ خواهی نمود؟! یا تابع اهل ضلال باید باشی که میگویند فاعبد ربك حتى یاتیک الیقین که دیگر عبادتی ندارند. . . و از قائل لو کشف الغطاء ما زددت یقیناً خود را بالا تر میدانند یا آنکه لابدی بتابعیت یکی از ایشان معروف نباشند و خود را مخفی و مستور دارند امر دین و مسلمانی توو جمیع عبادالله معطل خواهند ماند پس روزی باین طایفه از این بابت ایراد نفرمائی و معروفیت ایشان را از برای خود حجت و دلیل نمائی. . .

ملای رومی گوید:

کار پاکان را قیاس از خود مگیر کرچه باشد در نوشتن شیر شیر

عالم ناپرهیز کار کوری مشعله دار: یهتدی به وهو لایهتدی .

(سعدی)